



گفت‌وگو با «عقیل سیستانی» رئیس کارگروه فرش و صنایع دستی کمیسیون گردشگری، فرش و صنایع دستی اتاق کرمان

## تصمیمات سطحی و مقطعی؛ گویی قالی کم‌ارزش‌ترین کالای کشور است!

آقای عقیل سیستانی رئیس کارگروه فرش و صنایع دستی کمیسیون گردشگری، فرش و صنایع دستی اتاق بازرگانی، صنایع و معادن استان کرمان در گفت‌وگو با ما می‌گوید هیچ برنامه جامعی با افق روشن برای فرش کشور در دهه‌های اخیر وجود نداشته است و کشور امروزه در هدایت فرش جهان جایگاه شایسته و چشم‌گیری همانند گذشته ندارد و ایران پیشتازی در بازارهای بین‌المللی به سایر کشورهای رقیب واگذار کرده است. متأسفانه در چند دهه اخیر متولیان مربوطه مدیریت آگاهانه‌ای نسبت به حفظ و صیانت از ارزش‌ها و جایگاه فرش نداشته‌اند و همه شواهد و قرائن حاکی از این است که هنر بافندگی ما در استان کرمان در سه سبک بافندگی شهری بافت، عشایری بافت و روستایی بافت سال‌به‌سال به سمت رکود رفته است. با یک آسیب‌شناسی ساده متوجه می‌شویم در کرمان متولی فرش دستبافت ناموفق بوده و نتوانسته سیر گذشته این استان را حفظ، توسعه و گسترش دهد؛ به‌گونه‌ای که استانی که دستبافته آن، شهره عام و خاص بوده و در گذشته تولیدکنندگان و صادرکنندگان برندهای جهانی فرش را در خود داشته، امروز صادرکننده فرش دستباف بومی ندارد. در ادامه دعوت می‌کنیم مشروح این گفت‌وگو در زمینه مسائل قالی کشور بویژه استان کرمان را مطالعه نمایید.

اساس کاوش‌های باستان‌شناسی در تل ابلیس بردسیر سابقه فرش‌بافی به هزاره پنجم قبل از میلاد برمی‌گردد؛ یعنی هفت هزار سال این هنر در استان کرمان استمرار داشته و نسل به نسل انتقال یافته و به ما رسیده و وظیفه ما حفظ و انتقال شایسته آن به آیندگان است. بدون

### ◆ امروزه ایران در هدایت فرش جهان چه جایگاهی دارد؟

اجازه می‌خواهم، قبل از این که سؤال شما را پاسخ دهم، یک مقدمه کوتاه به صورت تیتروار و خلاصه عرض کنم. می‌دانید که بافندگی، عمومی‌ترین، مهم‌ترین و غنی‌ترین هنر سنتی و صنایع‌دستی استان و کشور ماست. بر



به تناسب اهمیت لازم برای فرش کشور در دهه‌های اخیر وجود نداشته است. انتظار می‌رفت با خلع ید و اختیارات شرکت‌های خارجی و بخش خصوصی منسجم، نظام‌مند و قوی آن زمان و واگذاری کلیه امور اعم از تولید، فروش و صادرات به بخش دولتی اوضاع بهتر از قبل شود، ولی واقعیت نتیجه، آن چیزی شد که امروزه همه ما شاهد آن هستیم.

در گذشته، بافندگان - متناسب با ماهیت و فلسفه شکل‌گیری این هنر- در راستای نیاز خود با استفاده از مواد اولیه بومی و محلی و با بهره‌گیری از تکنیک‌های مختلف هنر بافندگی اعم از قالی‌بافی یا گلیم‌بافی به خلق ملزومات زندگی‌شان می‌پرداخته‌اند، ولی به مرور زمان با تغییر سبک و سیاق زندگی و سلیقه‌ها، این نیاز در بین زندگی امروزی کمرنگ شد. در این بین، نیاز بود یک متولی دانا و متخصص، سابقه و تاریخچه گذشته این هنر را اعم از تنوع طرح، نقش، رنگ‌بندی، تکنیک و کاربرد را حفظ، مستند، مکتوب و در مکانی شایسته همانند موزه به نمایش بگذارد و معرفی کند و فلسفه موارد مذکور را با نشر و انتشار آثار شایسته به زبان‌های مختلف دنیا معرفی نماید که متأسفانه این اتفاق در استان نیفتاده است.

همگان می‌دانند، در پروسه تولید تا تجارت موفق یک کالا، یک سری امور زنجیره‌وار به هم مرتبط و مکمل یکدیگر هستند که هرکدام از امور مربوطه، ضعیف باشد، به تناسب تأثیر منفی را در سایر موارد خواهد گذاشت؛ همان‌گونه که اشاره کردم در حوزه فرش دستباف استان مشکلات زیر بنایی عمده و عمیقی وجود دارد که هنوز برطرف نشده‌اند. وقتی صحبت از هدایت در عرصه بین‌المللی به میان می‌آید، نیاز هست این کشور رتبه و جایگاه شایسته‌ای را در صادرات و فروش دست‌بافته در دنیا داشته باشد، اما آمار و ارقام، نشان‌دهنده این است که ایران پیشتازی را

شک در گذشته فرش‌بافی و صنایع‌دستی مهم‌ترین حوزه درآمد و اشتغال مردمان استان بوده است. جهانیان فرش دستباف را با نام ایران و استان کرمان می‌شناسند و یکی از افتخارات‌شان تهیه دست‌بافته این اقلیم است.

در بسیاری از موزه‌های دنیا که در حوزه هنر شرق آرشیو دارند، مهم‌ترین آثارشان قالی کرمان است. وجود سه سبک بافندگی اعم از شهری بافت، روستایی بافت و عشایری بافت در استان یکی از وجوه تمایز این اقلیم با سایر مناطق فرش‌بافی کشور است. رکورد گران‌ترین فرش دنیا متعلق به استان است و سلطان فرش دنیا حاج محمد ارجمند کرمانی هم تولیدکننده استان بوده است، سیرجان اولین شهر جهانی گلیم ثبت‌شده در شورای جهانی صنایع‌دستی (برند جهانی) سال ۱۳۹۶، وجود متنوع‌ترین اقوام در استان (با ۳۱ ایل و ۵۸ طایفه مستقل در کشور)، وجود بیشترین جمعیت عشایری بعد از استان فارس در استان که مهم‌ترین فعالیت آن بافندگی بوده است، انتخاب مادر صنایع‌دستی آسیا و اقیانوسیه (در رشته گلیم‌بافی) ماه نساء شهسواری پور از استان کرمان و منطقه سیرجان است،

استان کرمان بهترین و بیشترین تنوع دست‌بافته، طرح، نقش و تکنیک بافت را در دنیا دارد، فرش کرمان در دنیا زبانزد عام و خاص است؛ این‌ها، گوشه‌ای از ارزش و پتانسیل‌های هنر بافندگی در استان کرمان است که متأسفانه عدم توجه جدی به هنر بافندگی باعث شده فرش کرمان و ایران رتبه و موقعیت تجاری و صادراتی گذشته را نداشته باشد.

منسوخ شدن برخی از رشته‌های دست‌بافته در استان از جمله جاجیم‌بافی، سفره بافی، خُرچین بافی، گبه‌بافی، پلاس بافی، زیلوبافی، قالی‌بافی عشایری و روستایی، نمدمالی و بیس از پنج نوع تکنیک گلیم‌بافی از جمله: تکنیک پود معلق، تکنیک پود اضافه، تکنیک تک قلاب و... عدم وجود موزه فرش و سایر موزه‌های تخصصی مربوطه در استان کرمان یا شهرستان‌های مهم بافندگی، در جهت حفظ، نمایش، ترویج اصالت و ارزش هنر گذشته این اقلیم به مخاطبین داخلی و خارجی، عدم جمع‌آوری و حفظ منتخبی از آرشیو تولیدات آنتیک و قدیمی برای نمایش در موزه، فقدان کیفیت لازم محصولات تولیدی فرش استان، متناسب با نیاز و سلیقه و ذائقه انسان امروزی، قسمتی از نقاط ضعف و قوت بافندگی است.

حال با این تفاسیر، به نظر من امروزه کشور در هدایت فرش جهان جایگاه شایسته و چشم‌گیری همانند گذشته ندارد؛ به این دلیل که هیچ افق جامع و برنامه‌ای روشن و

- استان کرمان
- بهترین و
- بیشترین تنوع
- دست بافته،
- طرح، نقش و
- تکنیک بافت را در
- دنیا دارد، فرش
- کرمان در دنیا
- زبانزد عام و خاص
- است؛ این‌ها،
- گوشه‌ای از ارزش و
- پتانسیل‌های هنر
- بافندگی در استان
- کرمان است که
- متأسفانه عدم
- توجه جدی به
- هنر بافندگی
- باعث شده فرش
- کرمان و ایران
- رتبه و موقعیت
- تجاری و صادراتی
- گذشته را نداشته
- باشد.

به سایر کشورهای رقیب واگذار کرده است؛ بنابراین وقتی از گردونه رقابت آن‌چنان‌که شایسته است بیرون رفته باشیم، نمی‌توانیم حرفی برای گفتن داشته باشیم. البته ببخشید صحبت‌هایم زیاد طول کشید. در آخر، من معتقدم، هدف، در کشور حفظ، توسعه و ارتقاء فرش دستباف یا به‌طورکلی هنر بافندگی نبوده است - آنچه امروزه از اعتبار فرش مانده، مرهون زحمات گذشتگان است وگرنه حداقل در استان کرمان یک فعالیت ارزشمند و ماندگار همانند راه‌اندازی یک موزه، حفظ، ثبت، مستند نگاری و نمایش طرح و نقش‌های دست‌بافت‌ها و... انجام می‌شد که متأسفانه در چند دهه اخیر متولیان مربوطه، مدیریت آگاهانه‌ای نسبت به حفظ و صیانت از ارزش‌ها و جایگاه فرش نداشته‌اند؛ می‌توان گفت در کشور و به‌خصوص استان، بسیار ضعیف و ناکارآمد عمل شده است.

حال با این تفاسیر، وقتی هیچ سیاست مدونی برای حفظ و توسعه و گسترش هنر بافندگی استان و کشور وجود نداشته باشد، هیچ افقی در هدایت و تمرکز فرش جهان نخواهیم داشت؛ وقتی کشوری می‌تواند در هدایت فرش جهان جایگاهی داشته باشد که در عرصه توسعه و تجارت آن پیشتاز باشد ولی همه شواهد و قرائن حاکی از این است که هنر بافندگی ما در استان کرمان در سه سبک بافندگی شهری بافت، عشایری بافت و روستایی بافت سال‌به‌سال به سمت رکود رفته است.

#### ◆ به نظر شما برای فرهنگ‌سازی تولید فرش‌های باکیفیت و مرغوب چه باید کرد؟

به نظرم اگر متناسب با شأن و جایگاه فرش دستباف استان کرمان و ارزش آن فعالیت اصولی و معقولانه‌ای انجام می‌گرفت نیاز نبود امروزه به این نتیجه برسیم که برای تولید فرش یا دست‌بافته باکیفیت باید اقدام خاصی انجام پذیرد - ماهیت سؤال حاکی از این است که دست‌بافته تولیدی امروزه کیفیت لازم را ندارد؛ منظوم را واضح‌تر بیان می‌کنم، ما چندین سال قبل در معاونت صنایع‌دستی استان یک تحقیق میدانی پیرامون رکود و کاهش کیفیت هنرهای سنتی و صنایع‌دستی از جمله فرش دستباف انجام دادیم و به این نتیجه رسیدیم که عدم سیاست‌گذاری و اقدام اصولی و درست، در حوزه هنرهای سنتی باعث رکود، انحراف و حتی منسوخ شدن اغلب هنرهای سنتی در استان و کشور ما شده است و یکی از نتایج پژوهش این بود که اگر در طی یکی دو قرن اخیر سیر تاریخی تولیدات صنایع‌دستی

از جمله فرش استان را ثبت و مستند نگاری و در یک مکان شایسته همانند موزه به نمایش و معرفی گذاشته می‌شد، یک مبنای درست، واقعی و علمی برای گزینش مخاطبین - اعم از داخلی و خارجی - مهیا می‌گردید، به صورت طبیعی یک تعادل و تعاملی بین مخاطبین واقعی و تولیدکنندگان، فروشندگان و صادرکنندگان شکل می‌گرفت و نیاز نبود امروزه دستگاه‌های متولی زحمت زیادی برای اصلاح انحراف روند سال‌به‌سال منطقی فرش بکشند، خود بازار - یعنی تقاضا و عرضه - این مرادده همخوان را برقرار می‌کرد.

گرچه با یک آسیب‌شناسی ضمنی متوجه می‌شویم در کرمان متولی فرش دستباف ناموفق بوده و نتوانسته سیر گذشته فرش این استان را حفظ، توسعه و گسترش دهد و امروز خیلی سخت است در استانی که معروفیت هنر و دست‌بافته آن شهره خاص و عام در دنیا است حتی یک دست‌بافته در معرض نمایش مخاطبین نیست. بخواهیم فرهنگ‌سازی کنیم، همان‌طور که گفتم فرهنگ‌سازی یک دانش و تخصص عاقلانه می‌خواهد که ما در استان شاهد آن نیستیم.

#### ◆ همواره از اهمیت و به روز شدن فرش دستباف صحبت می‌شود، آیا ما در فرش استان به روز هستیم؟

من بر اساس تجربه قبلی که در آموزش، تولید و تجارت صنایع‌دستی دارم و خودم دانش‌آموخته این رشته هستم به نظرم تغییر رو به رشد و به روز شدن لازمه هر نوع فعالیت هنری است. اگر تاریخچه فرش دستباف کرمان در سه حوزه شهری، روستایی و عشایری را مطالعه کنیم به این نتیجه می‌رسیم که یکرود تغییرات منطقی را تا اوایل این قرن در گذر زمان طی کرده است. در دوران پهلوی هم تغییرات نابجایی در ماهیت فرش کرمان شکل گرفت (همان تغییرات ناهمگونی که می‌توانم به‌عنوان نقطه تأکید این مصاحبه از آن نام ببرم؛ یعنی نوآوری ناآگاهانه و تن دادن به تغییرات بدون شناخت و بدون حفظ اصالت) که جبران آن تغییرات بیش از حد، هنوز ادامه دارد و ضربه سنگینی را به فرش شهری بافت کرمان زده است، ولی امروزه ما بدون آگاهی از این‌که تغییر و به روز شدن باید در ادامه سنت و تداوم گذشته با حفظ هویت و ارزش دیرینه این هنرها شکل بگیرد، دست به نوآوری می‌زنیم که بیشتر انحطاط و جهالت است، در صورتی‌که نوآوری در هنرهای سنتی و فرش، باید ریشه‌دار باشد و به عبارتی ریشه در هویت این رشته‌ها، داشته باشد. گرچه ماهیت و شاخه‌های هویتی اصلی هنرهای سنتی

وقتی هیچ  
سیاست مدونی  
برای حفظ و  
توسعه و گسترش  
هنر بافندگی  
استان و کشور  
وجود نداشته  
باشد، هیچ  
افقی در هدایت  
و تمرکز فرش  
جهان نخواهیم  
داشت؛ وقتی  
کشوری می‌تواند  
در هدایت فرش  
جهان جایگاهی  
داشته باشد که  
در عرصه توسعه  
و تجارت آن  
پیشتاز باشد  
ولی همه شواهد  
و قرائن حاکی  
از این است که  
هنر بافندگی ما  
در استان کرمان  
در سه سبک  
بافندگی شهری  
بافت، عشایری  
بافت و روستایی  
بافت سال‌به‌سال  
به سمت رکود  
رفته است.

بهترین و قدیمی‌ترین دست‌بافته منطقه سیرجان) را در سال ۱۳۹۶ با همکاری انتشارات پژوهشگاه میراث فرهنگی کشور و اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان چاپ و منتشر کردیم. جلد چهارم کتاب دایرةالمعارف دست‌بافته عشایری و روستایی شهر جهانی سیرجان و جلد پنجم کتاب دایرةالمعارف دست‌بافته عشایری و روستایی منطقه سیرجان زیر چاپ هست که امیدوارم سایر جلد‌های آن هم چاپ شوند، هر چند در حد بضاعت است ولی بی‌تأثیر در ثبت و معرفی ارزش‌های هنر بافندگی کرمان نخواهد بود.

#### ◆ دانشگاه در صنعت و اقتصاد فرش دستباف استان چه نقشی ایفا کرده است؟

رسالت دانشگاه‌ها در حوزه آموزش بلندمدت رشته‌های مختلف است. هر ساله تعداد زیادی در رشته فرش در مقطع کاردانی و کارشناسی و در چندین رشته زیرمجموعه فعالیت‌های فرش در مقطع کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل می‌شوند و به تناسب سالانه تعدادی هم فارغ‌التحصیل می‌گردند. حداقل در فرش کرمان من تعداد انگشت‌شماری را می‌شناسم که بعد از تحصیلات وارد حوزه تولید، تأمین مواد اولیه، بازاریابی، تبلیغات، فروش و صادرات فرش دستبافت شده‌اند؛ گرچه یکی از معضلات فرش استان نبود عوامل فنی متخصص و صادرکننده بومی است.

به نظر من دانشگاه هم در حوزه فرش دستبافت ناموفق بوده است و خروجی کارآمدی نداشته است؛ به عبارتی می‌توان گفت مقوله گسترش، رونق و موفقیت یک هنر همانند هنر بافندگی به عوامل زیادی بستگی دارد که در کشور ما روی کاغذ تقسیم‌بندی امور انجام شده، ولی در عمل خروجی خوبی در پی نداشته است.

#### ◆ در زمینه سلیقه سازی، سلیقه‌یابی و در نهایت برند سازی فرش دستباف در استان کرمان چه کارهایی انجام شده است؟

سلیقه سازی یا سلیقه‌یابی با مقوله برند سازی تفاوت زیادی دارد، ولی تا آنجایی که من اطلاع دارم، فعالیت خاص و هدفمندی انجام نشده است؛ همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردم ما با گذر زمان در دهه‌های اخیر، در حوزه هنر بافندگی با رکود شدید مواجه بوده‌ایم، با یک مطالعه ساده می‌توان به این نتیجه رسید که گذشته فرش کرمان به‌خصوص در حوزه شهری بافت حساب‌شده‌تر و با کیفیت‌تر بوده است. با توجه به شواهد و قرائن

کشور و استان کرمان مشخص است؛ برای مثال سفره‌های ایلات و طوایف مستقل بافنده استان برای خبرگان، تجار و فرش‌شناسان حتی از پشت اثر هم محرز است، ولی اگر امروزه فردی یک سفره با رنگ بنفش نوآوری کند که هیچ سنخیتی با گذشته و تم رنگ‌بندی هیچ‌کدام از ۳۱ ایل و ۵۸ طایفه مستقل بافنده استان ندارد - در نتیجه کسانی که تخصص و آشنایی در این حوزه ندارند، از نگاهشان یک نوآوری در تولید یک کالای جدید شکل گرفته است که نهایتاً یک مشتری ناآشنا به هنر بافندگی هم آن را می‌خرد، ولی غافل از این‌که هویت یک هنر چندین هزارساله که باید با جان‌ودل حفظ و ادامه یابد به همین سادگی مخدوش می‌شود و بعد چند صباحی این‌گونه تولیدات از چرخه تولید حذف می‌شوند - و نشان از عدم شناخت و آگاهی درست از هنر سفره بافی را برای نوآور دارد که همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردم نمی‌توان اسم آن را نوآوری گذاشت و بیشتر به تخریب و انحطاط شبیه می‌ماند که متأسفانه ما این اقدام نابجا را در بین برخی تولیدکنندگان فرش، گلیم - به‌خصوص شیریکی پیچ - و گلیم فرش استان زیاد می‌بینیم.

#### ◆ به هر حال در زمینه مستندسازی مسائل قالی چه کارهایی صورت گرفته است؟ ارزیابی شما در چگونگی عملکرد استان در این زمینه چیست؟

همان‌گونه پیش‌تر اشاره کردم، استان کرمان در گذشته در تولید و تجارت هنر بافندگی سرآمد بوده است ولی در حوزه مستند نگاری و نمایش و ترویج سنت گذشته بسیار ضعیف عمل کرده است و این نشان از عدم اهمیت و توجه متولیان مربوطه نسبت به این هنر را دارد.

من در زمینه مستندسازی ویژگی‌های هنر بافندگی استان، مورد چشمگیری رؤیت نکردم به‌خصوص وقتی یک پژوهشگری می‌خواهد نسبت به فرش این استان پژوهش نماید آن موقع متوجه خواهد شد که چقدر فقر منابع مکتوب و مستندات وجود دارد در همین راستای ثبت و مستند نگاری هنر بافندگی این اقلیم، این‌جانب با همکاری معاونت صنایع دستی استان از سال ۱۳۸۷ پروژه‌های تخصصی را شروع کردیم که تاکنون:

جلد اول کتاب دایرةالمعارف دست‌بافته عشایری و روستایی استان کرمان (مناطق بافت، رابر و ارزوئیه) در سال ۱۳۹۶ و جلد دوم کتاب دایرةالمعارف دست‌بافته عشایری و روستایی استان کرمان (مناطق بردسیر و شهرباک) در سال ۱۳۹۷ و جلد سوم کتاب دایرةالمعارف دست‌بافته عشایری و روستایی منطقه سیرجان (گزیده



یکی از نتایج پژوهش این بود که اگر در طی یکی دو قرن اخیر سیر تاریخی تولیدات صنایع دستی از جمله فرش استان را ثبت و مستند نگاری و در یک مکان شایسته همانند موزه به نمایش و معرفی گذاشته می‌شد، یک مبنای درست، واقعی و علمی برای گزینش مخاطبین، اعم از داخلی و خارجی، مهیا می‌گردید، به صورت طبیعی یک تعادل و تعاملی بین مخاطبین واقعی و تولیدکنندگان، فروشندگان و صادرکنندگان شکل می‌گرفت.

فرش ایران یعنی مرکز ملی فرش ایران را نگاه کنید قطعاً خواهید فهمید فرش کم‌ارزش‌ترین کالای کشور است.

#### ◆ برای گسترش بازار داخلی فرش چه باید کرد؟

باید هر چه زودتر یک‌سری کارهای بنیادی و اصولی در حوزه فرش دستباف استان کرمان انجام پذیرد وگرنه توفیقی حاصل نخواهد شد و همانند این چند دهه اخیر اقدامات و تصمیمات اتخاذی، سطحی و مقطعی خواهند بود.

#### ◆ یک سؤال مهم این است که آیا خط‌کش سنجش

فرش به طریق اولی صادرات است یا مصرف داخلی؟ به نظر شما در این زمینه چه راهبردی باید اتخاذ شود؟

به نظرم میزان سنجش فرش یا هر کالای صنایع‌دستی دیگری، مخاطب یا همان مشتری آگاه است؛ خواه مصرف‌کننده داخلی یا بین‌المللی باشد.

به نظرم اگر ما تولید باکیفیت و در راستای سنت هویتی گذشته داشته باشیم، خودبه‌خود، جریان طبیعی عرضه و تقاضا با هم بالانس خواهد شد.

به نظرم هر کسی کار خودش را به بهترین نحو انجام دهد، همه چیز به حالت رضایت و عادی خودش برمی‌گردد.

#### ◆ در مورد آسیب‌های دوره شیوع ویروس کرونا به

صنعت فرش استان و اقدامات رفاهی و تسهیلات ارائه‌شده به تولیدکنندگان و بازرگانان این حوزه توضیح دهید.

اقدام خاصی از سوی دولت انجام نشده است و ما از سوی کمیسیون گردشگری، فرش و صنایع‌دستی اتفاق پنج‌ه‌ای و دومین نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی با موضوع بررسی «خسارت واردشده به بخش خصوصی فرش و صنایع‌دستی و گردشگری به علت شیوع ویروس کرونا» در تاریخ ۱۳۹۹/۰۴/۱۹ در محل سالن زنده‌یاد کامیابی اتفاق بازرگانی با حضور استاندار محترم جناب آقای دکتر فدایی و نماینده محترم مردم کرمان و راور جناب آقای دکتر پور ابراهیمی و سایر مسئولین استان همه مشکلات و دغدغه بخش فرش دستباف استان را مطرح کردیم، نتیجه خاصی نداشت و متأسفانه مورد اهمیت و توجه قرار نگرفت.

#### ◆ اگر توضیحات تکمیلی دارید، لطفاً بفرمایید.

ممنونم از شما، امیدوارم، روزی در کشور ما عقلانیت و تخصص حاکم شود. ◆◆

دست‌بافته کمپانی‌ها و کارگاه‌های بزرگ از جمله: جان تیمو یاناکیس (John G Timo Yanakis)، برادران کاستلی (Castelli brothers)، عطیه بروس (Atiyeh Bros)، قازان قاریت (Ghasan gharpet)، کمپانی شرق لندن (O.C.M)، حاج محمد ارجمند کرمانی، غلامرضا آگاه، اکبر رشید فرخی، احمد یزدان‌پناه (دیلمقانی)، برادران اژدری و... هم برندهای خودشان را داشته‌اند، ولی امروزه متأسفانه تعداد خیلی کمی همانند ابوالهادی، وزیری و کاظمی پور برند دارند.

#### ◆ چرا ایران در جایگاه واقعی و شایسته خود در تجارت

بین‌المللی قالی قرار ندارد؟

به نظرم به این دلیل که خواسته در جایگاه بین‌المللی شایسته قرار بگیرد وگرنه عقل حکم می‌کند برای این مهم، یک سیاست مدون داشته باشد، ولی در دهه‌های اخیر، بیشتر تصمیمات و برنامه‌ریزی‌هایی که پیرامون هنر بافندگی در کشور انجام پذیرفته، اغلب بدون آگاهی و با عدم تخصص و عدم عزم جدی همراه بوده است.

شما بهتر می‌دانید، در دنیا امروزه در همه عرصه‌ها زمان، مدیریت و تخصص مهم‌ترین اولویت کشورهاست، ولی در کشور ما فقط همین یکی دو مدیر اواخر متولی

